

«نسخه اصل» و کاربرد آن در کتابداری

1...[همان گونه که یکی از اهداف نشر مجله را تحقیق پیرامون حفظ و صیانت (مادی و معنوی) نسخ خطی تعیین کرده‌اند؛ این جانب بر آن شدم تا در امر فراموش شده‌ای از دست‌نوشته‌های برخی از دانشوران و متفکران (که احتمالاً بل به یقین آثار آنان، در معرض تحریف قرار می‌گیرد) مطالبی را به عنوان «اقتراح» مطرح سازد؛ بی‌شک، تعریف و یا توصیف دست‌نویس بجا مانده از یک نویسنده، در این نامه مقصود نیست. بلکه کاربرد آن در امر کتابداری منظور است. پدید آمدن هر اثر خطی، خواه علمی یا اجتماعی و اعتقادی و یا رسالتی در زمینه فلسفی و سیاسی که حاوی نظراتی باشد، کمتر دیده شده است که طول زمان آن هم در شرایط و متغیر زمانه، سالم و به دور از غرض و ملاحظات سیاسی و اجتماعی مصون بماند. در اعصار گذشته - روزگاری که صنعت چاپ پدید نیامده بود - کتاب‌های خطی به عنوان سند علمی و درسی و ابزار تعلیم و تعلم رواج داشت و «اصل نسخه» یا شرح و حواشی آن در نزد عالمان منزلتی تمام داشت. رسم چنین بود که صاحبان اثر برای آنکه دست‌نوشته‌هایشان دچار تحریف و یا تنقیص نشود به «توقیع» می‌پرداختند و بدین وسیله دستخط خود را از دستبرد مغرضان مصون می‌داشتند، برای مثال:

نسخه خطی اثنا عشریه بهاء‌الدین محمد عاملی مشهور به شیخ بهایی در موضوع فقه. این نسخه به خط هاشم بن احمد در سال ۱۰۲۹ق تحریر یافته و از نظر مؤلف گذشته و در واقع شیخ بهایی با جمله «بَلَّغْ قِرَائَتَهُ أَيْدِيَهُ اللَّهُ تَعَالَى» در حاشیه برخی از صفحات، نوشته خود را ملاحظه و تأیید کرده که این خود دال بر اعتبار نسخه اثنا عشریه است.

با ظهور چاپ و دگرگونی شکل ظاهری کتاب، کتاب‌های خطی که با ظرافت و آرایه‌های تذهیب و ترصیع، تنها نمادی از ذوق و فرهنگ و هنر مردم ایران زمین دیده می‌شود، به تدریج متوقف گردید. آیین تقریر و یا تحریر بالطف و ظرافت در کتابت منسوخ و امر کتاب‌سازی به دستگاه‌های چاپ سپرده شد. در مقررات چاپ که صاحبان تألیف، دست‌نوشته‌های خود را بعد از تصحیح و ویرایش به مسئول فنی چاپ می‌سپارند تا به زیور چاپ درآید و در شمارگان هزاران نسخه تکثیر شود، دست‌نوشته مؤلف که همان «نسخه اصل» است، متأسفانه در امر چاپ، بعد از حروف چینی و مراحل بعدی موجودیت خود را از دست می‌دهد و سرانجام معلوم نیست به کجا و به چه سرنوشتی گرفتار می‌گردد. حقیقت آن است که دست‌نوشته‌های مؤلف با همه اهمیتی که دارد، در نظام کتاب‌داری نوین، یک اصل فراموش شده است. وقتی در امور مادی - برای حفظ و صیانت - مقیاس «متر» که معادل صد سانتی متر است، می‌گویند اصل آن در موزه لوور پاریس در شیشه‌ای بلورین نگهداری می‌شود که مبادا در معرض تغییر قرار گیرد، قدر مسلم برای حفظ و نگهداری آثار مکتوب اندیشمندان و صاحب نظران در مسائل فکری و اعتقادی و اجتماعی، صد چندان باید چاره‌ای اندیشید تا اینکه با گذشت زمان آن مسائل دچار توجیه و تحریف نشود!

قرنهاست فتوای حجة الاسلام امام محمد غزالی در باب یزید و ناروایی لعن بر او که در آثار و کتاب‌های او دیده شده است همواره مورد بحث است. البته پژوهش‌های علمی که لازمه آن مبتنی بر شک علمی است خود راهی است بر کشف حقیقت. ولی سؤال این است که اصل نسخه این فتوا که به توقیع امام محمد غزالی رسیده است، کجاست؟!

قولی بر آن است که وی در پایان عمر، مستبصر شده است، این نظر در کدام دست‌نوشته اصلی دیده می‌شود و بر چه اعتباری است؟!

در روزگار ما با وجود همه وسائل ارتباطی، کم نیستند مصلحان و اندیشمندانی که اقوال و آثارشان دچار تحریف نشده باشد. صحت و صیانت مندرجات یک اثر چاپ شده و ادامه آن در چاپ‌های بعدی، بر چه ضمانتی است؟



کافی است مغرضان و یا ناشران سوداگر، آن هم با سازمانی مجهز و جهانی، در آثاری که با مسایل سیاسی و عقیدتی جامعه بستگی دارد، دست به کار شوند و با انتشار آنچه می خواهند، راه تحریف در پیش گیرند. پیشنهاد این است که: دستنوشته صاحبان تألیف و لو با خط خوردگی های بسیار، بعد از چاپ و انتشار به عنوان «نسخه اصل» مورد اعتبار و اعتنا قرار گیرد و در نظام کتاب داری با عنوان «اصل نسخه» در کتابخانه هائیت ورده بندی گردد و کاربرد آن در موارد اختلاف، مرجع محققان و صاحبان تردید واقع شود. و اگر دستنویس صاحب اثر به هر علتی مغشوش و یا غیر قابل ضبط باشد، دو نسخه از اثر چاپ شده در اوکین نوبت چاپ به ملاحظه و رویت مؤلف برسد و صاحب تألیف با امضای عنوان و صدر و ذیل کتاب بر صحت و اصالت کتاب خود مهر تأیید نهد و این دو نسخه امضا شده را به جای «دستنوشته» به نام «اصل نسخه» در «کتابخانه ملی» و یا هر کتابخانه معتبر دیگر به عنوان مرجع ثبت و نگهداری نمایند. با رسم این عمل، این گونه آثار چاپی که مزین به دستخط و امضای مؤلف قرار گرفته است، علاوه بر مصونیت از تحریف، از اعتبار ویژه ای برخوردار خواهد بود و می توان آنها را معادل «نسخه های خطی» به شمار آورد.

رمضان علی شاکری (مشهد)

نامه ای از یک دوست نادیده در پی درخواست تألیف مقاله

ل...! از اینکه بسیار با عجله، صریح و شفاف می نگارم عذر می خواهم. با نگاهی به موضوعات مطروحه برای نگارش مقاله تصمیم گرفتم درباره آداب «نسخه نویسی» به بررسی نسخه ای به خط مؤلف از کتاب الحدائق الندیة تألیف ابن معصوم و مقابله آن با نسخه ای دیگر از این کتاب که بر اساس نسخه مؤلف و با اشراف وی کتابت و تصحیح گردیده است بپردازم، به این بهانه که شگردهای مختلف ویراستاری در نسخه های خطی، استفاده از علائم و رنگها، جلی نویسی و خفی نویسی، مقابله نسخه ها، اجازات پایانی آنها و غیره را مطرح نمایم، و یا به مقابله نسخه چرک نویس و پاک نویس (مسوده و مبیضه) از کتاب شرح شواهد المطوک تألیف فسوی بپردازم، تا بخشی دیگر از آداب نسخه نویسی را با استناد به این دو نسخه روشن نمایم.

خواستم به عنوان کسی که خود دست به تصحیح متون کهن و انتشار برخی از آنها زده در این باره بنویسم و یا کتب تألیف شده برخی از مستشرقین و مسلمانان عرب زبان را درباره این فن مورد بررسی قرار دهم و به نقد آنچه عملاً از سوی مصححان - و به تعبیر عربی، محققان نصوص مخطوط - اجرا می شود و نیز فاصله واقعیتها با مباحث نظری مندرج در کتب مربوط به این فن را بیان نمایم، همچنین تلاش های شریف جرجانی در اوایل قرن هشتم هجری در خصوص تصحیح کتاب شرح الکافیة تألیف رضی الدین استرآبادی را مطرح کرده و نسخه خطی تصحیح شده به دست وی را مورد تحلیل قرار دهم تا روشن گردد آنچه امروزه مستشرقان در قواعد تصحیح نصوص دست نوشته طرح می نمایند، شریف جرجانی شش قرن پیش به کار برده است و احتمالاً این قوانین مطروحه در بسیاری موارد برگرفته از آداب نسخه نویسی خود مسلمانان می باشد.

خواستم درباره فهرست و فهرست نویسی و نقد کتاب عزت یاسین ابوهیب که در این باره تألیف یافته، مطالبی را بنگارم و خصوصیات را که می بایست یک فهرست نویس داشته باشد و همچنین به اشکالات موجود در فهرست های تنظیم یافته در ایران بپردازم و آرزوی تألیف: «الفهرس الموحد» و فواید فراوان تألیف چنین فهرستی را مورد بررسی قرار دهم.

میل داشتم در راستای تألیف فهرست به عنوان فردی که بیشترین اوقات کنونی خود را بارایانه سپری